

گزارش

سخنگوی دولت:

برای بدترین سناریوها آمادگی کامل داریم

سخنگوی دولت گفت: در شرایطی که رویکردها ستیزه‌جویانه است، تلاش دولت بر این است تا از طریق دیپلماسی و در راستای تأمین منافع ملی و آرامش منطقه‌ای بتواند با صلح بین‌المللی، موضوعات را حل کند. او همچنین تأکید کرد: برای بدترین سناریوها آمادگی کامل داریم. فاطمه مهاجرانی در ابتدای نشست خبری با نمایندگان رسانه‌ها با بیان اینکه ما همچنان سسگووار جان‌های عزیزی هستیم که در روزهای اخیر از دست دادیم، اظهار کرد: در فضای تهدید به جنگ کوبیدن بر طبل آن را رسانه‌های خارجی هم می‌شنویم که در پی اختلال در زندگی مردم هستند.

تلاش ما بر حل موضوعات با دیپلماسی است

او یادآور شد: ما از پیش هم می‌دانستیم که در یک جنگ ترکیبی و چندلایه قرار داریم اما در این شرایط که رویکردها ستیزه‌جویانه است، تلاش دولت این است که از طریق دیپلماسی و برای تأمین منافع ملی و آرامش منطقه‌ای بتواند در صلح بین‌المللی موضوعات را حل کند.

سایر گزینه‌ها را کنار نگذاشته‌ایم

سخنکوی دولت تصریح کرد: البته این به معنای آن نیست که سایر گزینه‌ها از روی میز دولت و حاکمیت ایران کنار رفته است، بلکه ما در آمادگی کامل هستیم و با حفظ عزت ملی و فرماندهی واحد، از این موقعیت هم عبور می‌کنیم. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره صحت ادعای ارسال پیام ایران به آمریکا، گفت: حرف دولت این است که با حفظ آمادگی نظامی و دفاعی خود برای تأمین منافع ملی، همه گزینه‌ها را هم روی میز دارد، اما رویکرد دولت بر دیپلماسی متمایل است و در این زمینه که پیامی به آمریکا منتقل شده یا نه، وزارت خارجه باید پاسخ دهد.

تاکتون ۷۷ میلیون نفر از مردم از کالابرگ استفاده کردند

سخنکوی دولت در پاسخ به پرسش اسنا درباره ارائه گزارشی از میزان استقبال و موفقیت اجرای طرح دوم کالابرگ، اظهار کرد: قطعی اینترنت چالش‌هایی را ایجاد کرد هم برای کسانی که کالابرگ را دریافت نکرده بودند و هم برای کسانی که در پی خرید بودند اما در مجموع تاکنون ۷۷ میلیون نفر از مردم از کالابرگ استفاده کردند که معادل ۷۶.۷ همت خرید است. ۹۲ درصد خانواده‌ها نیز از این طرح استفاده کرده‌اند.

مهاجرانی با اعلام بیشترین و کمترین میزان خرید کالاهای اساسی در طرح کالابرگ ادامه داد: بیشترین خرید متعلق به برنج با ۳۹.۱ درصد و کمترین خرید متعلق به ماکارونی است. طرح دوم کالابرگ برای این است که مردم بتوانند اقلام مشخصی را با قیمت ثابت دریافت کنند و این طرح در حال اجراست. امیدواریم با توجه به اینکه شاهد افزایش اغلب اقلام بوده‌ایم، این اقدام بتواند به حفظ قدرت خرید خانوارها کمک کند. او همچنین در بخش دیگری از نشست خبری یادآور شد: می‌دانیم در این ایام، خانواده‌های بسیاری رنج فراوانی را تحمل شده‌اند. امروز همان‌طور که رئیس‌جمهور هم تأکید کرد، دادگار همه جان‌های از دست رفته و همدرد یکایک هم‌وطنان هستیم و این صدای کل دولت است. رئیس‌جمهوری بر عهد خود برای پاسداری از حقوق ملت تأکید و اعلام کرده بر این مسیر پایدار خواهند ماند.

مهاجرانی با بیان اینکه نگاه دولت مبتنی بر انصاف، عدالت و رعایت کرامت انسانی است، ادامه داد: حتی درباره فریب‌خوردگان نیز این باور وجود دارد که آنان فرزندان این سرزمین هستند. باور داریم امنیت پایدار زمانی حاصل می‌شود که شهروندان احساس آرامش کنند. قدرت واقعی ایران در همبستگی ملی است و تمام صداها را به رسمیت می‌شناسیم. سخنگوی دولت یادآور شد: شهدای امنیت مظلومانه به شهادت رسیدند و ایران روزهای سختی را پشت سر گذاشته است. دولت و حاکمیت در برابر تمام آسیب‌دیدگان حوادث تلخ دی ۱۴۰۴ مسئول و معتقد است باید با گفت‌وگو با مردم مشکلات را حل کنیم.

دسترسی حداقلی به اینترنت برای برخی کسبه و تجار فراهم شد

سخنگوی دولت با اشاره به برنامه وزارت اقتصاد برای کاهش آسیب به درآمدها، ادامه داد: وزارت اقتصاد رویکرد مشخصی اتخاذ کرده تا آسیب به درآمدها- به‌ویژه درآمدهای مالیاتی- به حداقل ممکن برسد که از جمله دسترسی حداقلی به اینترنت برای برخی کسبه و تجار فراهم شد. برای کسب‌وکارهای برخط نیز معاونت علمی ریاست جمهوری بسته‌های جبرانی مشخصی طراحی کرده که شامل هشت محور حمایتی است. او با تأکید بر اینکه امیدواریم با اصلاحات اقتصادی به خروجی قابل اتکا برسیم، یادآور شد: دو دهه است که تحریم‌های غیرقانونی فشار شدیدی بر مردم ایران وارد کرده اما با تمام توان با استفاده از قدرت دیپلماسی و تکیه به اعتماد مردم مسیر حل مسائل را دنبال می‌کنیم.

مهاجرانی با یادآوری تخصص بسته‌ای هشت‌مرحله‌ای از سوی معاونت علمی و ریاست‌جمهوری برای حمایت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان آسیب‌دیده از قطع اینترنت، ادامه داد: دولت برنامه‌ای برای مطالبه خسارت از افرادی که در شکل‌گیری حوادث اخیر نقش داشتند، ندارد. اگر این‌موضوع‌گیری‌ها از منظر اعلام همراهی با مردم بوده، باید تأکید کنیم همه در کنار مردم هستیم؛ دولت برای این مردم، دارایی و سرمایه دیگری ندارد. سخنگوی دولت با اشاره به دستورهای ویژه رئیس‌جمهوری پس از وقوع حوادث اخیر گفت: اولین دستور درباره ایلام و نیز حوادث مرتبط با ملکشاهی بود که گزارش‌ها را وزارت کشور پس از جمع‌بندی اعلام می‌کند. همچنین در زمینه افزایش خسונنت در سطح جامعه نیز وزارت علوم متکفل موضوع است. البته سازمان امور اجتماعی وزارت کشور اقدامات ارزشمندی انجام داده است که پس از یکپارچه‌شدن، اعلام می‌شود. او یادآور شد: همچنین در زمینه اصل وقوع حوادث اخیر، نهادهایی که متکفل پیگیری هستند، بررسی را انجام می‌دهند و پس از جمع‌بندی آن را هم به اشتراک می‌گذاریم.

محال است اجازه دهیم ذره‌ای به ایران لطمه وارد شود

او با تأکید بر اینکه اجازه نخواهیم داد ایران دچار آسیب شود، افزود: محال است اجازه دهیم ذره‌ای به ایران لطمه وارد شود. ۲۲ ذ نشان داد مردم ما پای ایران ایستاده‌اند. مشکلات داریم اما نباید در مشکلات دمید، بلکه باید آنها را حل کرد. رویکرد دولت بر حل مسئله است. مهاجرانی با یادآوری دستور ویژه رئیس‌جمهوری برای دیدار از خانواده‌های جان‌باختگان و شهدا گفت: ما مسئولیت داریم سوگ جمعی جامعه را به رسمیت بشناسیم و در کنار پرداختن به مسائل سخت، به ایجاد امید و افق‌گشایی توجه کنیم. سخنگوی دولت با تأکید بر اینکه برای بدترین سناریوها آمادگی کامل داریم، اظهار کرد: کارگروه‌های اقتصادی دولت فعال هستند و بسته اضطرار اقتصادی طراحی و نقش هر وزارتخانه مشخص شده و هماهنگی‌های لازم در حال انجام است.

گفت‌وگوی احمد غلامی با عباس آخوندی

حمله آمریکا به زنجیره ارزش جهانی



احمد غلامی

در وضعیت بحرانی کشور که با تهدید آمریکا روبه‌رو است، شاهد نوعی تعلیق در سیاست خارجی هستیم. عباس آخوندی معتقد است در چنین وضعیتی باید با تغییر گفتمان سیاست خارجی و تمرکز بر زنجیره ارزش جهانی در منطقه، بحث را از ایران فراتر برده و آن را به شکل منطقه‌ای حل کرد. این رویکرد، تعارض‌ها و تنش‌های منطقه‌ای را کاهش می‌دهد و نوعی امنیت جمعی ایجاد می‌کند که برای بازیگران عمده منطقه‌ای و نیز برای اروپا و حتی آمریکا ذات اهمیت است. از نظر آخوندی، مذاکره با چین می‌تواند نخستین گام در ایجاد این نظام امنیت جمعی باشد. او باور دارد که تهدید اسرائیل و آمریکا، نه‌تنها ایران بلکه زنجیره ارزش جهانی را که از منطقه ما عبور می‌کند، تهدید می‌کند. بنابراین مقابله با آمریکا از طریق راهکار منطقه‌ای امکان‌پذیر خواهد بود.

این منطقه عبور می‌کنند. اگر این‌ را به‌عنوان مبنای قرار دهیم، باید بازیگرهای اصلی را اول مستقیم و بعد غیرمستقیم شناسایی کنیم. در گام اول، بازیگر جهانی که در منطقه در این زنجیره ارزش، نقش مستقیم و تولید عمده دارد، چین است که ۱۹ هزار میلیارد دلار تولید سرانه‌اش است. حدود ۱۹ درصد کل تولید جهان در چین صورت می‌گیرد، بنابراین قدرت بزرگ جهانی در حوزه زنجیره ارزش است. پس باید اول با چین صحبت کنیم. مطمئناً چین در منطقه منافعی دارد و دنبال آن است که امنیت منابعش را حفظ کند. تضاد منافع ما با چین حداقلی و اشتراک منافع ما حداکثری است. چین به ما تکنولوژی و ماشین‌آلات می‌دهد، برای ما بازار مصرف بسیار عمده‌ای دارد. ما به چینی‌ها انرژی، کریدور و منابع اولیه می‌دهیم و برای‌شان بازار تأمین می‌کنیم. در نتیجه ما با چین نه درگیری مرزی و نه تمدنی داریم. چین هم کشور رو به رشدی است و درحال‌حاضر خیلی از کشورهای جهان با چین همکاری دارند، بنابراین کار با چین برای ما سخت نیست که بخواهیم یک‌سری نزاع‌ها و بدگمانی‌های تاریخی را پشت‌سر بگذاریم. هر کشور دیگری که مطرح کنیم، با آن کشور یک‌سری مشکلات تاریخی نمی‌پذیرد. اما درمورد چین مشکل تاریخی نداریم، بنابراین اگر بخواهیم با چین گفت‌وگو کنیم، قاعداً می‌گویید بایاید درمورد امنیت جمعی صحبت کنیم، اما نمی‌توانید امنیت منطقه را به ما دیکته کنید. باید با هم به یک فرمول برای امنیت جمعی منطقه برسیم. باید با چین گفت‌وگو کنیم که این مدل امنیت جمعی منطقه و زنجیره ارزش چیست. گفت‌وگو ما با چین موجب سوتفاهم نمی‌شود. اگر بخواهیم با آمریکا گفت‌وگو کنیم، مفهومی است که ما در امنیت مذاکره می‌کنیم یا تصور می‌شود که آمریکا به چین تسلیم چیز نمی‌پذیرد. اما گفت‌وگو با چین به مفهوم همکاری مشترک است، تسلیم‌شدن نیست، بنابراین اگر قرار باشد تغییری در سیاست خارجی‌مان بدهیم و به سمت حرکت‌های جمعی برویم، این اولین تمرینی است که از جای قابل حصول انجام می‌شود. با چین هم یک بار تجربه این کار را داشتیم که بین ایران و عربستان سازش ایجاد کرد. اگر بتوانیم در گام اول با چین توافق کنیم که به نظر من دست‌یافتنی است، قطعاً به سمت تقابل با آمریکا نخواهد رفت و قطعاً چین به خاطر ما یک سرفه هم نخواهد کرد، اما حاضر است گفت‌وگو کند و به توافق دو به دو و مشترک‌المنافع برسیم. بعد از این، نوبت به گفت‌وگو با کشورهای جنوب خلیج فارس می‌رسد. عمده‌ترین نیروی جنوب خلیج فارس عربستان است که بلندپروازی‌های اقتصادی خاص خودش را دارد و می‌خواهد تا ۲۰۳۰ حدود ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند. درحال‌حاضر اقتصاد دبیچنان در عربستان ۱۵ درصد اقتصاد این کشور است و در نظر دارد در ۲۰ درصد افزایش دهد. تصمیم دارد سهمی از سوره‌های هوش مصنوعی جهان در عربستان باشد. مفهومی است که باید به ترتیب‌اتم در منطقه برسد که ریسک سرمایه‌گذاری در عربستان به سمت سفر میل کند. پس برای عربستان هم مهم است که با ایران به ترتیبات امنیتی جمعی دست پیدا کند، بنابراین کام دوم این است که ایران و چین از عربستان دعوت کنند که بیینند. این سه پایه اصلی می‌توانند شروع به بنیان‌گذاری امنیت جمعی در منطقه کنند. در گام بعدی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، قطر، عمان، امارات، کویت و عراق می‌توانند بییندند. چون بحث امنیت زنجیره ارزش است، در گام سوم می‌توانیم با اتحادیه اروپا و آمریکا مذاکره کنیم. حالا این جمع مذاکره می‌کنند نه ایران، اینکه ما دنبال همکاری شما هم هستیم، شما می‌خواهید در منطقه بازار و مواد اولیه داشته باشید و تکنولوژی بفروشید، ما هم می‌خواهیم به شما امکانات بفروشیم، بنابراین شما هم می‌توانید به نظام امنیت جمعی بیبیند. پس مرحله سوم می‌تواند گفت‌وگو با اتحادیه اروپا و آمریکا باشد. پس پیشنهاد من اساساً از مذاکره با آمریکا آغاز نمی‌شود و مذاکره دوجانبه با آمریکا نیست، بلکه مذاکره با آمریکا برای برقراری ترتیبات امنیتی جمعی منطقه خلیج فارس است که همه‌ی ذی‌نفعان را درگیر می‌کند. اما چرا زمان برای این کار فراهم شده؟

این نکته را در نظر بگیریم که فارغ از تحولات جهانی و تکنولوژیک، به نظر من در دو سال گذشته، کشورهای منطقه متوجه شده‌اند که بزرگ‌ترین تهدید کشورهای منطقه، اسرائیل است. اگر تا سال ۲۰۲۲ کشورهای منطقه با ایران مسئله داشتند و مسئله‌ای به نام عادی‌سازی روابط با اسرائیل در دستور کار بود، الان کشورها متوجه شده‌اند عادی‌سازی روابط به مفهوم سلطه اسرائیل بر تمام مقدرات کشورهاشان است و این سلطه فقط آن نیست که به عنوان امنیت جمعی منطقه در برابر حمله‌هایشان که آخر کار مسلمان هستند، قرار می‌دهد و نطفه ناامنی دائمی را در این کشورها ایجاد می‌کند. بنابراین الان فضای بسیار مناسبی برای ترتیبات امنیت جمعی است که مبنایش حفظ امنیت یک زنجیره تولید اقتصادی باشد.

اینجا یک بارودکسی وجود دارد: در نهایت از یک چین قوی خوشحال نمی‌شود. رفتن به سمت یک نظام امنیت جمعی در منطقه که بعداً به مذاکره با اتحادیه اروپا و آمریکا منجر شود، به نظر شما چیست؟ اگر این امنیت برقرار نشود، بیشتر از آمریکا به نفع چین است؛ بنابراین آیا آمریکا مایل به برقراری امنیت در منطقه هست؟

به نفع آمریکا هم هست. حداقل از سال‌های ۲۰۱۲ آمریکا‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از منطقه بیرون بروند، چون هزینه حضور نظامی‌شان در منطقه از منافع اقتصادی‌شان بیشتر بود. بنابراین آمریکا دنبال امنیت منطقه است و این کار برایش هزینه کمتری ایجاد می‌کند. از جهت اقتصادی هم که نگاه کنید، میزان تجارت کشورهای جنوب خلیج فارس با چین پنج برابر آمریکاست، بنابراین امنیت این هم کشورهای جنوب خلیج فارس این ارتباط اقتصادی را با چین دارند و آمریکا هم با نسبت به این قضیه حساسیتی ندارد یا پذیرفته است. خریدار عمده نفت کشورهای جنوب خلیج فارس چین است. ۲۰ درصد انرژی جهان از این منطقه تأمین می‌شود. اگر این داستان را در زنجیره ارزش جهانی ببریم، اساساً این نگاه دوقطبی کنار گذاشته می‌شود و می‌توانیم منطق دیگری را حاکم کنیم. اشکال کار ما این است که در سیاست خارجی، فقط از موضوع امنیت راجع به سیاست خارجی بحث می‌کنیم و از موضوع زنجیره ارزش بحث نمی‌کنیم. حال آنکه تمام ما در زنجیره ارزش خیلی زیاد است. این یک بحث تاریخی است. ما این‌قدر از جاده ابریشم می‌گوییم، اگر بخواهیم با ادبیات امروز جاده ابریشم را تعریف کنیم، یک زنجیره ارزش است که از این منطقه عبور می‌کند.

اگر قرار باشد ایران به چین برود و امنیت جمعی در منطقه کننده باشد...

چرا به سمت چین برویم، ما به سمت امنیت جمعی منطقه می‌رویم. با این تعریف، چین با گفت‌وگو با بخش خلیج فارس هستند و ممکن است هند هم بییندند. اتحادیه اروپا هم می‌تواند بیاید. من فقط دارم یک ایده مطرح می‌کنم که جزئیات زیادی دارد. این بحث را نباید به نحوی مطرح کنیم که گردش به شرق یا گردش به غرب داشته باشیم، ما می‌گوییم آنچه در جهان چندقطبی و سیال مهم است، امنیت زنجیره ارزش است که باید حفظش کنیم.

یکی از بازیگران اصلی این زنجیره، چین است. همان‌طور که اشاره کردید چین اختیارش را به دست ما نمی‌دهد که هر کاری خواستیم در منطقه انجام دهیم. هیچ کشور یا اتحادش را دست ما نمی‌دهد. ما نمی‌توانیم را به دیگری نمی‌دهیم. باید با بگیریم از این به بعد بازی جمعی کنیم. دیگر نمی‌توانیم بازی فردی کنیم. **ا در این بازی جمعی چه جایگاهی برای روسیه قائل هستید؟ به هر حال روسیه به لحاظ سیاسی از ایران حمایت می‌کند، اما چین به‌جز مواقع حساس، در سیاست جهانی از ایران حمایت نمی‌کند.**

این مسئله هم جای مناقشه است. در عمل فارغ از شعار، در قضایایی مثل انرژی هسته‌ای یا برنامه موشکی، کدام‌یک بیشتر به ما کمک کرده؟ به نظر من چین بیش از روسیه به ما کمک کرده است. بحث من زنجیره ارزش جهانی است و به نظر من داستان شرق و غرب

شرق



کلا درانش گذشته. من اینها را نه از موضع شرقی و غربی می‌بینم، نه از جهت چین و روسیه. می‌گویم واقع‌نگری و سیاست واقعی روی زمین این است که ما هم می‌خواهیم این منطقه توسعه پیدا کند. مردم ما در وضعیت اقتصادی بسیار سختی هستند. ما از موقعیت ژئوپلیتیکی که داریم می‌توانیم دو بهره ببریم؛ بهره شمشیرگونه یا دروازه‌گونه. یک برخورد این است که شمشیر دست‌مان بگیریم و بگوییم با هرکس که بیاید برخورد می‌کنیم. برخورد دیگر این است که بگوییم ما در چهارراه جهان هستیم و مسئولیت امنیت این چهارراه را بر عهده داریم و با همه کسانی که می‌خواهند از این چهارراه عبور کنند، همدل هستیم و همکاری می‌کنیم. در زنجیره ارزش جهانی، شما می‌گویید من یک کریدور هستم که کریدور ایفا کند، در نتیجه روسیه هم یکی از بازیگران است و می‌تواند بییندند.

نقش روسیه در این میان چیست؟ چون روسیه رقیب ما هم است و خیلی تمایل ندارد این زنجیره ارزش به وجود بیاید.

حس من این است که منافع روسیه سرجمع بیش از ضررهایش است و او هم می‌تواند از این زنجیره استفاده کند. هرچند سهم روسیه در اقتصاد جهانی محدود و حدود ۱.۲ درصد است و در برابر چین که نزدیک ۱۹ درصد است، خیلی محدود است. بنابراین من برای روسیه نقش تخریبی اصلاً قائل نیستم، ولی نقش ایجابی خیلی مهمی هم نمی‌تواند ایفا کند. در نتیجه روسیه هم یکی از بازیگران است و می‌تواند بییندند.

اگر تا الان با چین رابطه نداشتیم؟ شما در نظر دارید شکل رابطه با چین را به گفتمان تبدیل کنید؟

من می‌خواهم به امنیت جمعی تبدیل کنم. زمانی شما رابطه دوجانبه دارید و زمانی امنیت جمعی تعریف می‌کنید که ما کشورهای منطقه در هیچ حالتی به همدیگر تجاوز نخواهیم کرد و همه با هم پیمان عدم تجاوز می‌بندیم. همه کسانی که ذی‌نفع این منطقه هستند، با اتحادیه اروپا هم قرارداد منع تجاوز می‌بندیم، اگر بتوانیم به امنیت جمعی برسیم و با همه‌ی ذی‌نفعان این زنجیره ارزش، پیمان منع تجاوز بنهیدیم، به‌نقظ ایران، بلکه کل این منطقه با هم پیمان عدم تجاوز خواهند داشت. اما اگر نتوانیم به نظام امنیت جمعی برسیم، آخرکار نمی‌توانیم امنیت منطقه را حفظ کنیم. این منطقه سال‌هاست در حال غلبان است. یک روز طایان پیدا می‌شود، یک روز دماش و روز بعد القاعده پیدا می‌شود. یک روز سوریه به هم می‌خورد، یک روز آمریکا در عراق مداخله می‌کند. این منطقه برای توسعه نیاز به آرامش دارد. مبنای آرامش نمی‌تواند ایدئولوژی باشد؛ چون ایدئولوژی‌های منطقه کاملاً متضاد است. حتی مبنای فرهنگی هم نمی‌تواند داشته باشد؛ چراکه چینی‌ها، ترک‌ها، عرب‌ها و ایرانی‌ها هر کدام فرهنگ خاص خودشان را دارند. هندی‌ها کمی شبیه ما هستند، اما تفاوت‌های خاص خودشان را دارند. آنچه می‌تواند ما را دور هم جمع کند، امنیت زنجیره تولید است. همه ما در امنیت زنجیره تولید مشترک‌المنافع هستیم، بنابراین باید این را محور بگذاریم و عنوان گفت‌وگو در منطقه عوض شود. این یک تغییر گفتمانی است. فقط یک بحث بوروکراتیک یا روابط بین دو کشور نیست.

اگر اتحادیه اروپا فقیر در این قضیه می‌تواند کمک کند؟ اتحادیه اروپا قرارداد همکاری طولانی مدتی هم با کشورهای خلیج فارس بسته بود.

اتفاق خیلی مؤثر است. سه، چهار روز پیش اتحادیه اروپا پیمانی با منطقه مرکوسور در جنوب آمریکای لاتین داشت که این قرارداد بین دو اتحادیه منعقد شد. مذاکرات طولانی هم بیش از ۱۶، ۱۵ سال با کشورهای جنوب خلیج فارس بود که پیمانی در ۱۶ صفحه توسط سران امضا شد. این پیمان هم دنبال امنیت است، مگر آن پیمان بدون امنیت قابل اجراست؟ امنیت این قرارداد امنیت خلیج فارس و کریدور است که بخشی از کریدور دریایی و بخشی از آن زمینی است. اتحادیه اروپا برای رفتن به منطقه جنوب خلیج فارس از زمین، هوا و دریا می‌تواند بیاید. اتفاقاً این یکی از نشانه‌های ذی‌نفع‌بودن است، ولی با توجه به مجموعه مناقشاتی که وجود دارد، نقطه آغاز را باید از نقطه آسان شروع کرد. نقطه آسان به نظر من چین و بعد عربستان است. ما این تجربه را یک بار در حوزه امنیت داشتیم و حالا باید این تجربه را تحت عنوان امنیت زنجیره ارزش به بحث کنیم. نه‌فقط رفع منازعه بین ایران و عربستان، به دلیل تجربه موفق که داشتیم، به نظر من این مورد هم امکان موفقیت داریم و این بحث می‌تواند بسط پیدا کند و دیگران هم بییندند.

با این ایده موافقم که تغییر گفتمان می‌تواند یک توافق امنیت جمعی به وجود بیاورد، اما شخصیت رئیس‌جمهور آمریکا چقدر می‌تواند تعیین‌کننده باشد؟ چون واقعاً قابل پیش بینی نیست که به این مسائل تن بدهد. چیزی که در ذهن ترامپ است، نفع حداکثری از منابع دیگر کشورهاست. در شرایطی که بیش از همه‌زور حکمفرماست، این ایده خوشبینانه به نظر نمی‌رسد؟

ترددی نیست که رئیس‌جمهور آمریکا به هیچ ارزش اخلاقی و جهان لیبرال پایبند نیست. در اینکه قدرت بزرگی مثل آمریکا را به قدرت شخصی و خانوادگی تبدیل کرده هم تردید نیست. رفتارهایش به‌شدت فردی است و حتی با نهادهای داخل آمریکا هم خیلی قابل تفسیر نیست. من فکر می‌کنم در مورد منطقه ما، منافع آمریکا و اسرائیل کاملاً متفاوت است. آمریکا به دلیل اینکه قدرت جهانی است، دنبال امنیت منطقه است، ولی اسرائیل به دلیل اینکه نیروی منطقه‌ای است، دنبال تجربه منطقه است و اینکه همه به جان هم بیفتند و خودش هزومن منطقه شود. در واقع این دو کشور، منافع استراتژیک و بلندمدت متفاوتی دارند که لزوماً بر روی هم سوار نیست. ولی رابطه شوم بین نتانیاهو و ترامپ تا این لحظه بر این معضل غلبه کرده؛ از جمله در جنگ ۱۲ روزه که نتانیاهو توانست ترامپ را قانع کند به ایران حمله کند، وگرنه آمریکا در ۴۷ سال گذشته می‌توانست به بهانه‌های لحاظ نظامی برایش ارزش جزی کمی قائل هستیم. ۱۲ درصد هزینه‌های نظامی جهان توسط چین است. چین یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی جهان هم شده، اما بیشتر بر جنبه اقتصادی خودش تبلیغ می‌کند و در مورد بخش نظامی‌اش تبلیغ نمی‌کند. اما آمریکا می‌داند که چین فقط کشوری اقتصادی نیست و بنیه نظامی هم دارد. درست است که اتحادیه اروپا ۲۰ درصد تولید ناخالص جهانی را دارد، اما سهمش از قدرت نظامی در برابر چین خیلی کمتر است. آمریکا می‌تواند در قضیه گرینلند به اتحادیه اروپا زور بکوبد، اما در مورد چین بیشتر در حد لفاظی درگیر می‌شود و در عمل درگیر نمی‌شود. تمام بحث من این است که این تهدید واقعی است، ولی بسگی دارد چقدر بتوانیم سلازوارک امنیت جمعی را استوار کنیم. اگر امنیت جمعی را استوار کنیم، ترامپ هم می‌پذیرد.

اسرائیل و آمریکا، نه‌تنها ایران بلکه زنجیره ارزش جهانی را که از منطقه ما عبور می‌کند، تهدید می‌کنند، بنابراین باید گفتمان خودمان را دربارۀ تهدید تغییر دهیم و بگوییم زنجیره ارزش جهانی تهدید می‌شود، منافع قدرت‌های جهانی مثل چین و آمریکا، تهدید می‌شود. اگر این تهدید برای حفظ امنیت این زنجیره ارزش جهانی، تدبیر متفاوتی خواهد بود